

# حضرت زینب(علیها السلام): شخصیت و نقش ایشان در نهضت کربلا

ماهنامه علمی - ترویجی معرفت: سال شانزدهم - شماره ۱۱۴ - خرداد ۱۳۸۶

خادمحسین فاضلی (دانش آموخته حوزه علمیه، کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی)

## چکیده

حضرت زینب(علیها السلام) دارای اوصاف جدّه اش حضرت خدیجه(علیها السلام) بود. این بانوی با عظمت افزون بر ویژگی هایی مانند عفت، صبر، عقیده بنی هاشم، عالمه غیرمعلمه و شریکه الحسین بودن، نقش سرنوشت سازی در نهضت کربلا و حفظ این قیام عظیم داشت. در تکون شخصیت حضرت زینب(علیها السلام)، عامل وراثت، تربیت و محیط نقش بنیادین داشتند. بدین لحاظ، در پی حادثه کربلا، حضرت زینب(علیها السلام) مسئولیت سنگینی عهده دار گردید. امام حسین(علیه السلام) پدیدآورنده نهضت بود، ولی ادامه دهنده آن خواهرش حضرت زینب(علیها السلام) گردید. این بانو پس از شهادت امام حسین(علیه السلام) و یاران ایشان در کربلا، در کوفه و شام، رسالت خویش را به خوبی انجام داد و با استفاده از فرصت ها، ضربه های کاری بر دشمن وارد ساخت. حضرت زینب(علیها السلام) با خطبه های آتشین خویش، تبلیغات دروغین بنیامیه را خنثا نمود. ایشان مردم کوفه را به خاطر پیمان شکنی شان، از خواب غفلت بیدار ساخت و نیز هیاهوی تبلیغات دروغین یزید در میان مردم شام را برملا ساخت و زمینه انقلاب را در کوفه و شام فراهم نمود، به گونه ای که یزید با دستپاچگی از کار خود اظهار ندامت نمود و اهلیت پیامبر(علیهم السلام) را با قافله سالار آن، حضرت زینب(علیها السلام)، با احترام فراوان به مدینه بازگرداند. هدف نوشتار حاضر بررسی شخصیت حضرت زینب(علیها السلام)، جایگاه رسالت ایشان و به انجام رسانیدن آن است.

کلیدواژه ها: زینب(علیها السلام)، عبادت، عفت، صبر، شجاعت، فصاحت، رسالت.

## مقدمه

نَهضت خونین و جاودانه کربلا از مهمترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود. ابعاد انقلاب حسینی، از زوایای گوناگون قابل بررسی است. این نهضت حق را از باطل جدا نموده و از یکسو، تأثیری ژرف بر بیداری مسلمانان گذارد و از سوی دیگر، تبلیغات سوء چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت.

در طول تاریخ، انقلاب های فراوانی به وقوع پیوسته و افراد بسیاری از خودگذشتگی و فداکاری کرده اند؛ اما با گذشت زمان، از یادها فاصله گرفته اند. ولی نهضت عاشورا با مرور زمان، پیوسته در دل های مسلمانان، ماندگار شده است.

بدون شک، عقیده بنی هاشم، زینب کبری(علیها السلام)، از جمله شخصیت های تأثیرگذار این نهضت عظیم است که در ماندگاری و جاودانی آن نقشی بی بدیل داشته؛ همان بانویی که از نوادر بانوان تاریخ اسلام است و در دامان پُرمهر فاطمه زهرا(علیها السلام) و مولای متقیان تربیت یافته و درس زندگی آموخته است.

درباره حیات درخشان این بانوی قهرمان، تاکنون ده ها کتاب و مقاله نگارش یافته و تاریخ نگاران شیعه و سنی هر کدام از دیدگاه خویش، به زندگانی و قهرمانی این بانوی بزرگ نگریسته و آن را مورد تحلیل و تجلیل قرار داده اند. نوشتار حاضر به گوشه هایی از ویژگی های این بانوی گرامی، و نیز نقش شکوهمند ایشان در نهضت کربلا پرداخته است، بدان امید که راه، روش و معنویت حضرت زینب(علیها السلام) همواره چراغ راه زندگیمان باشد.

## ميلاد و نامگذاری حضرت زینب(علیها السلام)

حضرت زینب(علیها السلام) در پنجم جمادی الاولی در سال پنجم یا ششم هجرت، در مدینه دیده به جهان گشود. در بین خاندان نبوت، رسم بر این بود که نامگذاری نوزادشان را به بزرگ خانواده واگذار می کردند. ۱. پس از ولادت حضرت زینب(علیها السلام)، مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) نوزاد را به دست حضرت علی(علیه السلام) داد و فرمود: نام این کودک را برگزین. امام(علیه السلام) فرمود: من از پیامبر خدا در نامگذاری دخترم، سبقت نمی گیرم. ۲.

در آن هنگام، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در سفر بود. چون بازگشت، زمان تشرّف به خانه فاطمه(علیها السلام)، امیرمؤمنان(علیه السلام) نام نوزاد را از آن حضرت پرسید. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: من از خدایم در نام گذاری او پیشی نمی گیرم. آنگاه از جانب خداوند جبرئیل فرود آمد و گفت: خداوند نام این نوزاد را «زینب» برگزیده ۳ و آن را در لوح محفوظ نگاه داشته است. ۴.

نامگذاری حضرت زینب(علیها السلام)، از سوی پروردگار همانند امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) بیانگر آن است که ایشان جایگاه و مقام ویژه ای دارد. آنگاه جبرئیل(علیه السلام) پیامبر را از مصیبت هایی که بر زینب رُخ می نمایند، باخبر ساخت. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) گریست و فرمود:

هر کس بر اندوه و مصیبت این دختر گریه کند (پاداش او) مانند کسی است که بر دو برادرش حسن و حسین(علیهما السلام) گریه نماید. ۵.

## همانندی حضرت زینب(علیها السلام) با حضرت خدیجه(علیها السلام)

هنگامی که پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله) قنذاقه آن مولود مبارک را طلبید، ایشان را بوسید و فرمود:

به حاضران و غایبان ائمتهم وصیت می کنم که حرمت این دختر را پاس بدارند. همانا وی مانند خدیجه کبری(علیها السلام) است. ۶.

این تشبیه معنادار بیانگر آن است که حضرت زینب(علیها السلام) دارای اوصاف جدّه اش حضرت خدیجه(علیها السلام) است همانگونه که آن بانوی والامقام، برای پیشرفت اسلام، نقش چشم گیر داشت، حضرت زینب(علیها السلام) نیز نقش بسزایی در حفظ رهاوردهای نهضت عاشورا داشت.

## نام ها و القاب حضرت زینب(علیها السلام)

حضرت زینب(علیها السلام)، نخستین دختر حضرت علی(علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) است. معروف ترین نام این بانوی بزرگ، «زینب» است که در لغت، به معنای «درخت نیکو منظر» آمده ۷ و معنای دیگر آن «زیناب» یعنی «زینت پدر» است. و به راستی زینب برای مکتب اسلام و مرام پدر، مایه زینت و آبرومندی بی نظیر بوده است.

حضرت زینب(علیها السلام) نام ها و القاب فراوانی دارد؛ همانند عقيله بنی هاشم، عالمه غیرمعلمه، عارفه، موثقه، فاضله، کامله، عابده آل علی، معصومه صغری، امینه الله، نائبة الزهراء، نائبة الحسين، عقيلة النساء، شریکه الشهداء، بلیغه، فصیحه، و شریکه الحسین. ۸. حضرت زینب(علیها السلام) از نظر شخصیت و لیاقت، مصداق راستین نام ها و القاب مزبور است که توضیح هر کدام مجال دیگری می طلبد.

## شخصیت حضرت زینب(علیها السلام)

روانشناسان می گویند: عامل وراثت، تربیت و محیط در تکون و ساختار پایه های شخصیت آدمی نقش بنیادین دارند. ۹. درباره حضرت زینب(علیها السلام)، سه اصل اساسی مزبور جایگاه ویژه داشت:

الف. وراثت: ایشان از سرچشمه نبوت و ولایت نشأت گرفت، جدش خاتم پیامبران(صلی الله علیه وآله) بود و حضرت زینب(علیها السلام) از خمیره ذات او آفریده شد. رسول خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود:

«... وَوَلِدِ فَاطِمَةَ فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَ عَصَبَتُهُمْ، وَ هُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي...»؛ ۱۰ فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، و ام‌کلثوم)، که من ولی و سرپرست نسبی آنها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده اند.

بنابراین، حضرت زینب(علیها السلام) زن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را در خود داشت که وارث خاتم پیامبران(علیهم السلام) است و شخصیت ایشان از خمیرمایه وجود رسول الله(صلی الله علیه وآله) ریشه می گرفت.

مادر این بانو دختر پیامبر(صلی الله علیه وآله) و بهترین زنان عالم است و پدرش مولای متقیان(علیه السلام)، وصی رسول خدا(صلی الله علیه وآله). از اینرو، شخصیت نازنین حضرت زینب(علیها السلام) آمیزه‌های از حالات ملکوتی رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، حضرت علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) است و این بانو مراتب کمال خویش را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

ب. تربیت: حضرت زینب(علیها السلام) از آغاز ولادت تا قریب شش سالگی، در دامن پُرمهر پیامبر و حضرت علی(علیهما السلام) تربیت یافت. ۱۱ ایشان از سینه مبارک حضرت زهرا(علیها السلام) شیر نوشید و در پرتو وجود حضرت علی(علیه السلام) و نظارت دقیق ایشان رشد کرد. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود:

«مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَوَلَدًا نَحَلًا أَفْضَلَ مِنْ آدَبِ حَسَنٍ»؛ ۱۲

هیچ پدری هدیه‌های برتر از حُسن ادب و تربیت نیک به فرزندش نداده است.

تربیت حضرت زینب(علیها السلام)، توسط پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی(علیه السلام) و مادری همچون فاطمه زهرا (علیها السلام) و برادرانی همانند امام حسن و حسین(علیهما السلام) سبب شد که این شخصیت والامقام به عنوان سومین بانوی جهان اسلام پس از حضرت خدیجه(علیها السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام)، به شمار آید.

ج. محیط: یکی دیگر از پایه های مهم ساختمان شخصیت آدمی محیط است. حضرت زینب(علیها السلام) در محیطی که کانون فضایل، صفا و صمیمیت بود، رشد و نمو یافت. محیط زندگی حضرت زینب(علیها السلام) در شهر مدینه، خانه حضرت علی(علیه السلام)، فاطمه(علیها السلام)، حسن و حسین(علیهما السلام) بود؛ همان خانه ای که کعبه آمال

و محبوب دلهای مؤمنان بوده است. چنین محیطی نورانی و خانه ای بابرکت، ارزش های والای دینی و انسانی را در وجود پر برکت ایشان بارور و شکوفا ساخت.

## کودکی حضرت زینب(علیها السلام)

از دوران کودکی، نبوغ و درکی فوق العاده در وجود بانوی قهرمان کربلا، به ویژه در مسائل اعتقادی، مشاهده می شد. یک بار پدرش امیرالمؤمنین(علیه السلام) ایشان را بر زانوی خویش نشانید و به او فرمود: بگو: «احد»؛ یعنی یکی! حضرت زینب(علیها السلام) گفت: احد. سپس حضرت علی(علیه السلام) فرمود: بگو: «اثنین»؛ یعنی دو تا! حضرت زینب ساکت شد. مولای متقیان(علیه السلام) فرمود: سخن بگو. زینب(علیها السلام) گفت: زبانی که به گفتن «احد» گردش کرده، چگونه «اثنین» بگوید؟ امام(علیه السلام) از پاسخ عمیق زینب(علیها السلام) مسرور شد و ایشان را به نشانه محبت و تجلیل، به سینه چسبانید و بوسید. ۱۳

بار دیگر حضرت زینب(علیها السلام) در سن خردسالی از پدر پرسید: پدر جان! آیا ما فرزندان را دوست داری؟ حضرت علی(علیه السلام) فرمود: آری، فرزندان ما، پاره های جگر ما هستند. حضرت زینب(علیها السلام) عرض کرد: ای پدر! دو محبت در دل مؤمن جمع نمی شوند، و اگر از این محبت چاره ای نیست، پس لطف و مهر برای ما و محبت مخصوص خداوند! حضرت علی(علیه السلام) به خاطر تیزفهمی و درک عالی حضرت زینب(علیها السلام)، محبت خود را نسبت به دخترش بیشتر کرد. ۱۴

حضرت زینب(علیها السلام) با این سخن، به توحید خالص اشاره کرد که همانا دلبستگی حقیقی برای خداست، ولی دوستی فرزندان، به معنای مهربانی و پرتویی از محبت خداست.

آری، زینب(علیها السلام)، که در پرتو تعلیمات پیامبر(صلی الله علیه وآله) و خاندان او تربیت و رشد یافته، چرا چنین نباشد؟!  
جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

## علاقه حضرت زینب(علیها السلام) به امام حسین(علیه السلام)

حضرت زینب(علیها السلام) از دوران کودکی علاقه فراوانی به امام حسین(علیه السلام) داشت. هرگاه سیدالشهداء(علیه السلام) از نظر ایشان غایب می شد، بی قراری می کرد و چون دیده ایشان به جمال برادر می افتاد، شاداب می گشت. ۱۵ اگر در گهواره به گریه می افتاد، دیدار امام حسین(علیه السلام) و یا شنیدن صدای ایشان، مایه آرامش و قرار زینب بود. ۱۶

در خردسالی، بیش از هر کس با امام حسین(علیه السلام) بازی می کرد و از دیدارش شادمان می شد. هر گاه در محضر برادر بود، یکسره به او می نگریست و ساعتی نمی توانست دوری ایشان را تحمل کند. ۱۷.

این محبت عجیب سبب شگفتی حضرت زهرا(علیها السلام) شد، تا روزی موضوع را با پدرش پیامبر(صلی الله علیه وآله) در میان گذاشت و فرمود:

از علاقه زینب با حسین، شگفت زده شده ام، به گونه ای که زینب لحظه ای بدون دیدار حسین آرامش ندارد!

با شنیدن این سخن، اشک از چشمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) سرازیر گشت، فرمود:

نور چشمم! این دختر همراه حسین(علیه السلام) به کربلا می رود و در رنج ها و مصایب برادرش شریک خواهد بود. ۱۸.

محبت حضرت زینب(علیها السلام) به امام حسین(علیه السلام) به گونه ای بود که هر روز چند بار به دیدار آن حضرت می رفت. هنگام نماز نخست به چهره نورانی برادر می نگریست، سپس نماز می خواند. ۱۹ در روز عاشورا، دو نوجوانش محمد و عون را نزد برادر آورد و عرض کرد:

جدّم ابراهیم خلیل(علیه السلام) از درگاه خدا قربانی را قبول نمود، تو نیز این قربانی را از من بپذیر! اگر چنین نبود که جهاد برای زنان روا نیست، هر لحظه جان را فدای جانان می نمودم. ۲۰

دوستی امام حسین(علیه السلام) برای خواهر، تنها از سر عاطفه نبود، بلکه این محبت از جهان غیب و ملکوت سرچشمه می گرفت. گرمی عشق امام حسین(علیه السلام) در جان حضرت زینب(علیها السلام) آمیزه ای از ایمان، عشق، عاطفه و شعور بود و جوشیدن چنین محبتی در سامان بخشی قیام عاشورا بسیار کارساز شد.

## منزلت حضرت زینب(علیها السلام)

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

حضرت زینب(علیها السلام) هنگامی که بر پدر خود وارد می شد، امام(علیه السلام) از جای برمی خاست و ایشان را با احترام زیاد در جای خود می نشاند. ایشان امین پدر بود. هنگامی که حضرت علی(علیه السلام) از دنیا رفت، امام حسن(علیه السلام) کافور مخصوصی را، که یادگار رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود، از حضرت زینب(علیها السلام) خواست. ایشان کافور را آورد و آن را گشود، بوی عطر آن محیط را فرا گرفت. ۲۱.

همچنین زینب کبری(علیها السلام) نزد امام حسن(علیه السلام) و امام حسین(علیه السلام) از منزلت ویژه ای برخوردار بود. این دو امام نهایت احترام را در حق خواهر روا می داشتند؛ سعی می کردند مصایب و مشکلاتی که برایشان رخ میدهد حضرت زینب(علیها السلام) متوجه نشود و ناراحت نگردد.

اما محبت امام حسین(علیه السلام) و زینب(علیها السلام) علاقه ای متقابل و استثنایی بود. امام حسین(علیه السلام) نیز فوق العاده حضرت زینب(علیها السلام) را عزیز و گرامی می داشت، ۲۲ ایشان را محرم راز و امین خود می دانست و ودایع خویش را به ایشان می سپرد. امام حسین(علیه السلام) اسرار امامت را به ایشان سپرد. ۲۳ این مسئله مقام و شأن حضرت زینب(علیها السلام) را گواهی می دهد. هنگام دیدار حضرت زینب(علیها السلام) از برادر، امام(علیه السلام) برای او جا باز می کرد، با شادمانی ایشان را در کنار خود می نشاند و در قرب جوارش بود. ۲۴

## فضایل و مناقب حضرت زینب(علیها السلام)

زینب کبری(علیها السلام) دارای فضایل و مناقب فراوان بود. همانگونه که اشاره شد، این بانوی با عظمت را عالمه غیرمعلمه، عقیده بنیهاشم، معصومه صغری و... لقب داده اند. ۲۵

حضرت زینب(علیها السلام) بانویی بلندقامت، نیکو چهره و عالی مقام بود، در وقار و شخصیت، مانند جدّه اش حضرت خدیجه(علیها السلام)، در حیا و عفت، همچون مادرش فاطمه زهرا(علیها السلام)، در رسایی و شیوایی بیان، مانند پدرش حضرت علی(علیه السلام)، در حلم و بردباری، چون امام حسن(علیه السلام) و در شجاعت و قوت قلب، مانند برادرش امام حسین(علیه السلام) بود. ۲۶ در ذیل، گوشه هایی از فضیلت های حضرت زینب(علیها السلام) را پی می گیریم:

### ۱. علم و دانش

سخنان و خطبه های عالمانه، همراه با استدلال به آیات قرآن، در کوفه، مجلس عبیدالله بن زیاد و همچنین در دربار یزید، از سوی حضرت زینب(علیها السلام) هر کدام شاهدهی بر توانایی دانش این بانوست. ابن عباس گفتار پر ارج فاطمه زهرا(علیها السلام) را درباره «فدک»، از حضرت زینب(علیها السلام) نقل کرده، می گوید: «عقیله ما زینب دختر علی چنین گفت: ...» ۲۷ افزون بر آن، درس و تفسیر قرآن از سوی حضرت زینب(علیها السلام)، برای زن های کوفه در زمان حکومت پدرش حضرت علی(علیه السلام) بیانگر دانش ایشان است. ۲۸

حضرت زینب(علیها السلام) مقام بیان روایت و حدیث را دارا بود؛ چنانکه محمدبن عمرو، عطاء بن سائب، فاطمه بنت حسین و دیگران از زینب(علیها السلام) نقل حدیث کرده اند. ۲۹

عقیله بنی هاشم حتی آگاهی به حوادث آینده را از پدر بزرگوار خود فرا گرفته بود؛ همانگونه که بعضی از اصحاب خاص پیامبر(صلی الله علیه وآله) مانند سلمان، ابوذر و برخی از یاران حضرت علی(علیه السلام) مانند میثم تمار و رشید هجری به اینگونه اسرار آگاه بودند. ۳۰



حضرت زینب(علیها السلام) دانشی سرشار داشت. طبیعی است کسی که از محضر پیامبر(صلی الله علیه وآله) (شهر علم) و حضرت علی(علیه السلام)(دروازه علم) کسب دانش نموده باشد، باید دریای علم باشد. روزی حضرت زینب(علیها السلام) در کلاس تفسیر خود، برای بانوان کوفه سوره «کهیعص» را تفسیر می کرد، حضرت علی(علیه السلام) وارد کلاس حضرت زینب(علیها السلام) شد و او را از راز این حروف مقطعه آگاه ساخت و فرمود:

نور دیده! این حروف رمزی است و در مصیبت وارد شده بر شما عترت پیامبر رسیده است. ۳۱

امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود:

«کاف» رمز کربلاست؛ «ها» به هلاکت و شهادت اشاره دارد؛ «یا» یعنی: یزید که بر حسین(علیه السلام) ستم می کند؛ «عین» کنایه از عطش حسین(علیه السلام) است؛ و «صاد» به صبر اشاره دارد. ۳۲

در هر صورت، حضرت زینب(علیها السلام) «عالمه غیرمعلمه» بود، چنانکه احتجاجات او در کوفه و شام در برابر دشمن، مانند احتجاج مادرش حضرت زهرا(علیها السلام) بود که درباره «فدک» ابراز نمود.

## ۲. پرستش و عبادت

عبادت رفیع ترین مقام آدمی است. ائمه اطهار(علیهم السلام) هر کدام مرتبه اعلائی از این مقام را دارا بودند. دخت والاگهر حضرت علی(علیه السلام) نهایت عبادت و تعظیم را در برابر پروردگار داشت. ایشان از نیایش و نمازهای پیامبر با خبر بود، به گونه ای که خداوند به او وحی کرد: «ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که در اثر عبادت، خود را به مشقت اندازی!» ۳۳

حضرت زینب(علیها السلام) نمازهای مادرش حضرت زهرا(علیها السلام) و پدرش حضرت علی(علیه السلام) را شاهد بود. ایشان نیایش های امام حسن مجتبی(علیه السلام) را در دل شب ها و روزها دیده بود، عبادت و مناجات های امام حسین(علیه السلام) را، به ویژه در شب و صبح عاشورا، به تماشا نشسته بود و هر یک برایش درس و الگوی عبادت و مناجات بود.

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

حضرت زینب کبری(علیها السلام) شبها به عبادت می پرداخت و در دوران زندگی، هیچ گاه تهجد را ترک نکرد. آن چنان به عبادت اشتغال ورزید که ملقب به «عابده آل علی» شد. ۳۴ شب زنده داری حضرت زینب(علیها السلام)، حتی در شب دهم و یازدهم عاشورا، ترک نشد. فاطمه دختر امام حسین(علیه السلام) می گوید:

در شب عاشورا، عمه ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت و پیوسته اشک هایش سرازیر می شد. ۳۵

امام زین العابدین(علیه السلام)، می فرماید:



عمّه ام زینب در طول سفر اسارت از کوفه تا شام، پیوسته نمازهای واجب و مستحب خود را انجام می داد و در بعضی منزلگاه ها می دیدم که ایشان در اثر ضعف و گرسنگی، نماز خود را نشسته می خواند؛ چراکه سهمیه غذای خود را میان کودکان تقسیم می کرد و دیگر توان ایستادن نداشت. ۳۶

ارتباط حضرت زینب(علیها السلام) با خداوند آنگونه بود که حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) در روز عاشورا هنگام وداع، به خواهرش فرمود:

«یا اختی لا تنسینی فی نافلة اللیل»؛ ۳۷

خواهرم! مرا در نمازهای شب، فراموش نکن.

### ۳. حجاب و عفت

از منظر اسلام، یکی از مهمترین وظایف بانوان، پاسداری در حفظ حریم حجاب و عفت است. در قرآن مجید، در چند آیه ۳۸ به ضرورت حجاب برای زنان تصریح گردیده و در چهارده آیه، ۳۹ درباره عفت و پاکدامنی هشدار داده شده و در احادیث فراوان نیز هشدارهای مؤکد در این زمینه داده است.

عقیله بنی هاشم در حجاب و عفت، مانند مادرش فاطمه زهرا(علیها السلام) بود و به این مهم بسیار اهمیت میداد. تا پیش از عاشورا و ماجرای اسارت، نامحرمی حضرت زینب(علیها السلام) را ندیده بود؛ چنانکه در تاریخ آمده است:

هنگامی که زینب می خواست به مسجدالنبی کنار قبر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) برود، علی(علیه السلام) دستور می داد شب برود. به حسن و حسین(علیهما السلام) می فرمود: همراه خواهرشان باشند. حسن(علیه السلام) جلوتر و حسین(علیه السلام) پشت سر، زینب در وسط حرکت می کردند. آنها از سوی مولای متقیان مأمور بودند که حتی چراغ روی مرقد منور پیامبر را خاموش کنند تا چشم نامحرم به قامت زینب نیفتد. ۴۰

یحیی ملازنی می گوید: من در مدینه، مدت زیادی همسایه حضرت علی(علیه السلام) بودم. سوگند به خداوند! در این مدت، هرگز حضرت زینب(علیها السلام) را ندیدم و صدایش را نشنیدم. ۴۱ حجاب و عفاف حضرت زینب(علیها السلام) به گونه ای بوده است که علامه مامقانی در این باره می گوید:

زینب در حجاب و عفاف، یگانه روزگار بوده است. کسی از مردان، در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا، او را ندیده بود. ۴۲

### ۴. صبر و استقامت

از منظر دین، صبر جایگاهی بس والا دارد. قرآن به صبرکنندگان بشارت داده است. (بقره: ۱۵۵) مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. حضرت زینب(علیها السلام) نمونه و تجسم عالی صبر و پایداری است. مقاومت و شکیبایی در راه پاسداری از حریم دین و کرامت انسانیت، از ویژگی های بارز این بانوی بزرگ است.

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند \*\*\* بر اثر صبر نوبت ظفر آید. ۴۳

صبر و ثبات شگفت انگیز حضرت زینب(علیها السلام) همگان را به اعجاب واداشته است؛ زیرا از پنج سالگی برای او، مصایب جانکاه یکی پس از دیگری شروع شد، ولی ایشان در برابر همه این مصیبت ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

حضرت زینب(علیها السلام) در وادی صبر و استقامت، یکه تاز میدان است. به گفته علامه مامقانی، ایشان در صبر و ثبات بی نظیر و یگانه است. ۴۴ در بلندای مقام صبر و بردباری آن گوهر عظیم الهی، همین بس که وقتی در برابر پیکر نورانی و خونین برادرش امام حسین(علیه السلام) رسید، رو به آسمان کرد و گفت:

بار خدایا! این اندک قربانی و کشته در راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر. ۴۵

این سخنان آن بانوی آزاده هنگامی که برادر عزیزش امام حسین(علیه السلام) و دیگر برادران و فرزندان خویش را از دست داده بود، حاکی از قوت ایمان، ثبات اعتقاد، گذشتن از خود و فنا شدن ایشان را در خداوند است. ۴۶ حضرت زینب(علیها السلام) در اثر توجه و تربیت خمسه طیبه، چنان روح بزرگی یافته بود که شهادت عزیزانش را با صبر و ثباتی وصف ناپذیر تحمل نمود.

نورالدین جزائری می گوید:

از جمله القاب زینب(علیها السلام) «الراضیه بالقدر والقضاء» است، و این مخدره چنان در برابر شداید و محن ایستادگی کرد که اگر اندکی از بسیار آن بر اذیال جبال راسیات گذاشته شود آب می گردد، ولی این مخدره مظلومه، یکه و تنها، غریب و بیگس «کالجبل الراسخ...» در مقابل همه ایستادگی کرد. ۴۷

درست است که حضرت زینب(علیها السلام) در کربلا گریه و ناله نیز داشت؛ چنانکه وقتی قامت حضرت علی اکبر(علیه السلام) بر زمین افتاد، حضرت زینب(علیها السلام) سراسیمه و با اشک دیدگان، از خیمه بیرون آمد و فرمود: «یا حبیباه! یا ثمره فؤاده! یا نور عیناه!» ۴۸ و خود را بر روی بدن حضرت علی اکبر(علیه السلام) انداخت، اما امام حسین(علیه السلام) حضرت زینب(علیها السلام) را از پیکر ایشان جدا نمود و به سوی خیمه ها برگرداند. ۴۹ با اینکه همین بانو در شهادت دو جوان خویش خاموش و ساکت بود، ولی ناله های حضرت زینب(علیها السلام) در اینگونه موارد، دو دلیل داشت:

گاهی عظمت مصیبت بیش از حد سنگین بود؛ از جمله شهادت حضرت علی اکبر(علیه السلام)؛ چراکه ایشان مقامی بس ارجمند داشت و شبیه ترین کس به پیامبر(صلی الله علیه وآله) از نظر صورت و سیرت بود. به گفته نورالدین جزائری:

حضرت علی اکبر(علیه السلام) در واقعه عاشورا، نایب رسول خدا بود؛ همانگونه که قاسم نایب امام حسن(علیه السلام) و حضرت عباس نایب حضرت علی(علیه السلام) و حضرت زینب(علیها السلام) نایب زهرا(اطهر) علی اکبر(علیه السلام) از طینت محمدیه بود. ۵۰

بنابراین، به شهادت رسیدن حضرت علی اکبر(علیه السلام) و مصیبت از دست دادن آن عزیز، چنان سنگین و کمرشکن بوده است که دل را آب می کند و عاطفه را به جوش می آورد و نالیدن در چنین مصیبت عظیمی، با مقام صبر در تعارض نیست.

دیگر اینکه گریه ها و ناله های حضرت زینب(علیها السلام) در کربلا و پس از آن در طول سفر کوفه و شام، در جهت اهداف عالی و رسالت عظمای ایشان، یعنی ابلاغ پیام عاشورا بوده و ایشان از راه های گوناگون، از جمله با خطبه ها و سخنرانیهای آتشین و گریه های جانسوز خویش، از نهضت حسینی پاسداری می نمود.

## ۵. شجاعت و قهرمانی

از ویژگی های عظیم بانوی کربلا، «شجاعت» است؛ شجاعتی بسان حضرت علی(علیه السلام) که در قیام کربلا سخت مورد نیاز بود. بدون شک، اگر ذرّهای ترس از حکومت استبدادی یزید در وجود زینب راه می یافت، در این صورت، نهضت کربلا چنین پیروزی به ارمغان نمی آورد.

حضرت زینب(علیها السلام) در این ویژگی، یکه تاز میدان بود. خطبه های آتشین و افشاگرانه ایشان بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبندهاش در فرصت ها برای دفاع از نهضت حسینی، و صلابت بی نظیر ایشان در کوفه و شام، همه بیانگر قهرمانی و شجاعت ایشان است. «زینب به عنوان شیرزن کربلا و خطیب قهرمان پیام رسان خون شهیدان، در پیشانی اسلام تابید» ۵۱ و جهاد و دفاع ایشان از اسلام و دیانت به ابدیت پیوست.

زینب کبری(علیها السلام) شجاعت را از پدر به ارث برده بود؛ حضرت علی(علیه السلام) که نزد دوست و دشمن به شجاعت و شهامت معروف بود. ۵۲ خوابیدن مولا در بستر پیامبر در شب هجرت، به هلاکت رساندن عمرو بن عبدود در جنگ خندق و دیگر دلاوری های آن حضرت در جنگ های گوناگون دوران پیامبر و پس از آن زبانه زد دوست و دشمن است. ابن ابی الحدید درباره شجاعت امیرمؤمنان(علیه السلام) چه زیبا گفته است:

و اما شجاعت او، به گونه ای است که نام شجاعان تاریخ گذشته را از یادها بُرد، و نام دلیرمردان آینده را به فراموشی سپرد. هیچگاه از انبوه و گردان دشمن نترسید، و با کسی رو به رو نشد، جز آنکه وی را بر زمین کوبید، و هرگز بر دشمن ضربتی نزد که نیازمند ضربت دوم باشد. ۵۳

حضرت زینب(علیها السلام) نیز شجاعتی شایان از خود به نمایش گذاشت. ایشان بارها جان امام سجاد(علیه السلام) را از مرگ نجات داد؛ از جمله در مجلس ابن زیاد، پس از احتجاج حضرت سجاد(علیه السلام) با ابن زیاد، امر به شهادت او داد. حضرت زینب(علیها السلام) دست در گردن فرزند برادر انداخت و فرمود: «تا زنده ام، نخواهم گذاشت او را بکشید.» ۵۴ و هرگز به ابن زیاد و یزید بن معاویه اعتنایی نکرد و در حالی که آنان در اوج اقتدارشان بودند، و پاسبان ها

با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده اطراف ایشان را گرفته بودند، سخنانی ایراد کرد که یزید و اطرافیان وی را رسوا ساخت.

## ۶. فصاحت و بلاغت

بانوی قهرمان کربلا، فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرامی اش به ارث برده بود. «هنگامی که سخن می گفت، گویی از زبان پدر، ایراد سخن می کرد.» ۵۵ سخنانش در کوفه و مجلس یزید و نیز گفتوگوهای ایشان با عبیدالله بن زیاد، بی شباهت به خطبه های امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و خطبه «فدکیه» مادرش زهرا(علیها السلام) نیست. ۵۶ این خطبه ها در حالی ایراد می شدند که حضرت زینب(علیها السلام) داغ های فراوانی بر سینه داشت؛ گذشته از آنکه تشنه، گرسنه و بی خواب بود، سختی سرپرستی کودکان و راه را نیز به دوش می کشید.

وقتی حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه، آن خطبه فصیح، آتشین و شورانگیز را ایراد نمود، مردم دست ها را به دندان گزیدند و با تعجب به هم نگاه کردند! در همان موقع، پیرمردی در حالی که می گریست و محاسنش از اشک چشمش تر شده بود، دسته سوی آسمان بلند کرد و گفت:

پدر و مادرم فدای ایشان که سالخوردگان شان بهترین سالخوردگان و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنانشان بهترین زنان و نسل آنها والاتر و برتر از همه نسل هاست. ۵۷

## رسالت حضرت زینب(علیها السلام)

در پی واقعه دردناک کربلا، حضرت زینب(علیها السلام) مسئولیت سنگین را عهده دار گردید؛ زیرا امام حسین(علیه السلام) پدیدآورنده نهضت بود، ولی ادامه دهنده آن خواهرش حضرت زینب(علیها السلام) بود. اندوه های دلخراش آن بانوی بزرگ مانعی بر سر راه ایشان برای رویارویی با دشواری ها و ایفای رسالت بزرگش ایجاد نکرد.

### جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

نهضت عاشورا با شهادت امام(علیه السلام) به فرجام و هدف پایانی نرسید، بلکه هدایت و رهبری آن به دست با کفایت دختر علی(علیه السلام) بود. حضرت زینب(علیها السلام) از جانب برادر این وظیفه را یافته و امام(علیه السلام) طی وصایای خود مسائل را به ایشان فرموده بود.

عصر عاشورا هنگامی که بانو زینب(علیها السلام) مشاهده کرد امام حسین(علیه السلام) روی زمین افتاده و دشمنان جنایت کار اطراف پیکر مطهر وی را با هدف کشتن ایشان گرفته اند، از خیمه بیرون آمد و پسر سعد را به عنوان سرزنش فرمود:

«یا بن سعد! اَیْقَتَلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ؟» ۵۸

فرزند سعد! آیا ابوعبدالله کشته می شود و تو تماشا می کنی؟!

او هیچ جوابی نداد و روی از حضرت زینب(علیها السلام) برگرداند، ولی ایشان تلاش کرد تا شاید از کشته شدن امام حسین(علیه السلام) جلوگیری نماید. از این رو، خطاب به آن مزدوران نمود و گفت: «أما فيكم مُسلمٍ؟» آیا در بین شما یک نفر مسلمان نیست؟

باز هیچ کس پاسخی نداد ۵۹ زینب کبری(علیها السلام) فریاد برآورد:

«وا اخاه! واسيِّده! وا اهليِّتاه! ليت السماء انطبقت على الارض و ليت الجبال تدكدكت على السهل»؛ ۶۰ وای برادرم! وای سرورم! وای اهلیت! ای کاش آسمان بر زمین واژگون می شد! و ای کاش کوه ها خرد و پراکنده بر هامون می ریخت.

حضرت زینب(علیها السلام) با این جمله ها، مرحله دوم نهضت را شروع کرد. از این لحظه، وظیفه طاقت فرسا بر عهده او بود. از مردان دیگر کسی نمانده بود، و او بود و کودکان و امام بیمار غریب و تنها. ایشان برای انجام رسالت عظمای خود، به سوی امام حسین(علیه السلام) رهسپار میدان شد، بر بالین برادر رسید، پیشانی را به خون برادر رنگین کرد، سپس دست خود را به زیر پیکر مبارک و خونین سیدالشهداء(علیه السلام) گرفت و به آسمان نگاه دوخت و فرمود: «خدایا! این قربانی را از ما بپذیر!» ۶۱

حضرت زینب(علیها السلام) استوار همچون کوه، در کنار امام زین العابدین(علیه السلام) و بانوان و کودکان داغ دیده، و در جوار قتل گاه شهیدان، نظاره گر غارت شدن و سوختن خیمه ها بود. ایشان سپس شام غریبان شهدا را در بیابان، با زمزمه های دلخراش عزاداری، با اشک و ناله در سوگ عزیزان و پرستاری از یتیمان، و با نماز شب و نیایش با پروردگار به صبح رساند.

## خبری تحلیلی ادیان نیوز

### حضرت زینب(علیها السلام) در قتلگاه

در روز یازدهم محرم سال ۶۱ هجری، زنان و خواهران امام حسین(علیه السلام) و بازماندگان شهیدان به همراه زینب(علیها السلام) و علی بن الحسین(علیه السلام) و کودکان، آماده حرکت به سوی کوفه شدند. هنگام حرکت، کاروان اسیران را از قتلگاه عبور دادند. وقتی چشم اسیران به بدن های غرقه به خون روی زمین افتاد، ناله های دردناک سر دادند.

حضرت زینب(علیها السلام) در کنار بدن مقدس امام حسین(علیه السلام)، رو به سوی مدینه نمود و ندبه های دلخراش سر داد:

«وا محمداه! بَنَاتِكَ سَبَايَا وَ دُرَيْتُكَ مُقَتَّلَه، تسفی علیهم ریح الصِّبَا، وَ هَذَا حُسَيْنٌ مُجْزُوؤُ الرِّاسِ مِنَ القَفَا، مَسْلُوبُ العِمَامَهِ وَ الرِّدَاء...»؛ ۶۲ ای پیامبر! اینان دختران شما هستند که به اسیری می روند. اینان فرزندان شما هستند که با بدن های خونین، روی زمین افتاده اند و باد صبا بر پیکر آنان می وزد! ای رسول خدا! این حسین است که سرش را از قفا بریده اند و عبا و ردایش را به غارت برده اند.

پدرم فدای کسی که سپاهیان او را غارت کردند، سپس خیمه گاهش را سرنگون ساختند! فدای آن مسافری که دیگر امید بازگشتش نیست! ۶۳

فدای آن عزیزی که با لب تشنه شهید شد و از محاسنش خون می چکید، قربان آن کسی که جدش رسول خداست و او فرزند هدایت است! پدرم فدای کسی که آفتاب برای او باز گشت تا نماز خود را بخواند! ۶۴

سخنهای و ناله های حضرت زینب(علیها السلام) دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار داد و همگان را به گریه واداشت. ۶۵ در واقع، انقلاب دیگری در ادامه نهضت امام حسین(علیه السلام) توسط حضرت زینب(علیها السلام)، از همین جا آغاز شد و ایشان در حالی که حتی دشمنان را منقلب کرد، به سخنان خویش، در خطاب به مادرش فاطمه زهرا(علیها السلام) چنین ادامه داد:

ای مادر داغ دیده! ای دختر پیامبر! به کربلا نگاه کن! حسینت را با سر بریده و دخترانت را با خیمه های غارت شده و سوخته بنگر! مادر! ببین دخترانت را کتک می زنند!

مادرم! این حسین است که در خون غلتیده، او را تشنه شهید کرده و بدنش را با نیزه ها و سم اسبان سوراخ سوراخ کرده اند. اینان مورد ظلم حرام زادگان و آزادشدگان پدرت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) قرار گرفته اند. ۶۶

## فدای زینب(علیها السلام) در کوفه

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

پس از آنکه ابن سعد اهل بیت امام حسین(علیه السلام) را از کربلا به عنوان اسیر به سوی کوفه و سپس شام حرکت داد، فرجام این نوع رفتار با توجه به ظاهر حادثه، باید به نابودی خاندان پیامبر و پیروزی پایدار حکومت امویان خاتمه می یافت؛ نتیجه ای که شاید در آن روز هر بیننده ای به سادگی آن را پیش بینی می کرد، ولی حضور فعال اسرای اهلبیت در کوفه و شام، به ویژه خطبه های پرشور حضرت زینب(علیها السلام)، نتیجه را به گونه ای رقم زد که در آخر، یزید سرشکسته و خجلت زده مجبور گردید آنان را هر چه زودتر و با احترام به مدینه برگرداند.

آنچه سبب این دگرگونی در دوران اسارت شد، دو برنامه عملی خاندان رسالت بود: یکی ایراد خطبه ها در بین مردم و دیگر پرداختن به عزاداری برای شهیدان کربلا. خطبه ها متناسب با شرایط هر جا، بیان می گردید تا کسانی را که

گرفتار تبلیغات سوء امویان شده بودند، بیداری بخشد. اکنون حضرت زینب(علیها السلام) و کاروان او، سازمان تبلیغ امام حسین(علیه السلام) هستند و سرنوشت نهضت به دست آنها قرار گرفته است.

اسیران در حالی وارد کوفه شدند که نیروهای امنیتی عبیدالله بن زیاد سواره و پیاده، راه های ورودی و خروجی شهر و کوچه های آن را تحت مراقبت قرار داده بودند تا هرگونه حرکت مشکوکی را مهار کنند. از سوی دیگر، جارچیان و جاسوسان حکومت ورود اسیران را به شهر اعلام کرده و مردم را برای تماشا دعوت نموده بودند. ۶۷

عبیدالله از سوی یزید، دستور یافته بود که اهل بیت(علیهم السلام) را در شهر بگرداند تا با تماشای مردم به آنان، قدرت حکومت خود را نمایان سازد. تبلیغات بنی امیه اسیران را خارجی معرفی کرده بود. هنگامی که سر مطهر امام حسین(علیه السلام) و یاران ایشان را بر نیزه ها زدند و به همراه اسیران، با وضع دلخراشی در شهر کوفه گرداندند، امویان فضای وحشت ایجاد کردند و شهر را در قبضه مأموران داشتند. نفس ها در سینه ها حبس گردیده بود! چنین فضایی تاریک فریادگری قهرمان و شجاع می خواست تا مردم را علیه یزیدیان برانگیزاند.

### خطبه حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه

در کاروان اسیران، حضرت زینب(علیها السلام) در کجاوه خویش به دنبال فرصت بود، تا ضربه مناسب را بر دشمن وارد کند؛ زینبی که روزگاری برای زنان کوفه درس تفسیر قرآن می گفت و پدرش رهبری امت را بر عهده داشت. کوفه قلب عراق بود و پنج سال پایتخت حکومت حضرت علی(علیه السلام). حضرت زینب(علیها السلام) درد دل های حضرت علی(علیه السلام) را از کوفیان می دانست و سست عهدی آنان را با امام حسن(علیه السلام) دیده بود، و نیز نامه های پی درپی همین مردم را به امام حسین(علیه السلام) و سپس عهدشکنی ایشان را به یاد داشت. نوبت آن رسیده بود که خطابه آتشین خود را همچون پُتک بر فرق این مردم فرود آورد. بُشربن خُزیم اسدی درباره خطبه حضرت زینب(علیها السلام) می گوید:

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

در این روز، من به زینب دختر علی(علیه السلام) نگریستم. سوگند به خدا! کسی را مانند زینب، در سخنوری توانا ندیدم؛ چنانکه گویی از زبان امیرالمؤمنین علیبن ابیطالب(علیه السلام) سخن می گوید. بر مردم نهیب زد: خاموش باشید! با این نهیب، نه تنها آن جماعت انبوه ساکت شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد! ۶۸

آنگاه زینب(علیها السلام) پس از حمد و ستایش پروردگار و درود بر پیامبر و خاندان او، خطاب به آنان فرمود:

ای جماعت نیرنگ و افسون! و بی بهرگان از غیرت و حمیت! آیا بر ما گریه می کنید؟! اشک چشمتان خشک مباد و ناله هایتان آرام نگیرد! مثل شما مثل آن زنی است که تار و پود تافته خود را درهم ریزد و رشته های آن را از هم بگسلد. شما سوگندهایتان را دستاویز فساد و نابودی خود قرار دادید. شما همانند سبزه های هستید که در مزبله ها می روید، و یا چون نقره ای که روی گورها را بدان زینت کنند؛ دارای ظاهری فریبنده و باطنی زشت و پلید. برای آخرت



خود، بد توشه ای فرستادید! با خشم خداوند، عذاب ابدی وی را به نام خود رقم زدید. آیا شما (پیمان شکنان) برای حسین(علیه السلام) گریه می کنید؟ بسیار بگریید و اندک بخندید که ننگ گریبانگیر شماست و لکه این ننگ را هرگز از دامان خود نتوانید شست! ۶۹

شما جگرگوشه رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و سید جوانان بهشت را کشتید؛ همان کسی که در جنگ پناهگاه شما بود و در صلح، مایه آرامش شما؛ در سختی ها، امیدتان به او بود و در ستیزه ها به او روی می آوردید.

آیا میدانید که چه جگری از پیامبر شکافتید، و چه پیمانی گسستید و چسان پردگیان حرم را از پرده بیرون کشیدید و چه حرمتی از آنان دریدید و چه خون هایی را ریختید؟!

کاری کردید که نزدیک است از هراس (این حادثه) آسمان ها بپاشند! زمین ها بشکافند! و کوه ها فرو ریزند!

آیا تعجب می کنید اگر از جنایت تان آسمان خون ببارد؟! هیچ کیفری از کیفر آخرت برای شما خوارکننده تر نیست، خداوند از شتاب در کارها منزّه است، و از پایمال شدن خون (بی گناهی چرا) بهراسد، و او مراقب اعمال ماست و پیوسته در کمین ستمگران ۷۰.

## فرجام خطبه حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه

حضرت زینب(علیها السلام) خطابه را پایان داد. او که با قلب داغدار سخن می گفت و فجایع کربلا را شرح می داد، هیجان شدید در کوفه ایجاد کرد، و وضع روحی مردم دگرگون شد. راوی می گوید: پس از خطبه دختر حضرت علی(علیه السلام)، مردم کوفه شگفت زده دست ها را به دندان می گزیدند.

به هر روی، حضرت زینب(علیها السلام) با این خطبه، تبلیغات دروغین بنی امیه را، که امام معصوم(علیه السلام) را خارجی معرفی کرده بود، خنثا نمود و مردم کوفه را به خاطر پیمان شکنی، از خواب غفلت بیدار ساخت و برای کوفیان از کیفر الهی اعلام خطر کرد و تأثیری را که ریختن خون های پاک در نظام هستی می گذارد، روشن کرد. سخنان حضرت زینب(علیها السلام) مانند صیحه آسمانی، محیط کوفه را فراگرفت و بر آن اثر جانسوز گذارد. ایشان فاجعه کربلا را، که با دست همان مردم بی فضیلت انجام یافته بود، بی پرده بیان داشت و آنان را سخت نکوهش کرد تا ابن زیاد نتواند حقایق تلخ عاشورا و ماهیت قیام حسین(علیه السلام) را منحرف سازد.

در پایان خطبه، آشوب شهر و قیام علیه حکومت احساس می شد، بلکه در پی این خطبه، هیجانی به وجود آمد که دیگر آرام نشد تا سرانجام، مردم گرد مختار آمدند و دست به انقلابی زدند که فرزند زیاد و همه شرکت کنندگان در جنایت کربلا را فرا گرفت و آنها را به دست انتقام سپرد. ۷۱. بدین روی، فرمانده نیروهای نظامی برای جلوگیری از انقلاب علیه ستمگران، اسیران خاندان پیامبر را به «دارالاماره» مرکز حکومت عبیدالله بن زیاد فرستاد. ۷۲.

## حضرت زینب(علیها السلام) در دارالاماره

حضرت زینب(علیها السلام) همراه با خواهر خود، در جمع خویش و امام سجّاد(علیه السلام) و دیگران به دارالاماره وارد شد، در حالی که پست ترین لباس را به تن داشت، تا او را نشناسند. ایشان بدون توجه به هیبت مجلس و عبیدالله، به صورت زنی ناشناس نزدیک دیوار نشست و زنان گردش نشستند. ابن زیاد پرسید: این زن کیست؟ کسی جواب او را نداد. او سه بار پرسش خود را تکرار کرد. در آخر، یکی از کنیزان ایشان پاسخ داد: این زن زینب فرزند فاطمه(علیها السلام) دختر رسول الله است! ۷۳

طرز ورود حضرت زینب(علیها السلام)، که همانند فرمانده پیروز، بدون اعتنا به ابن زیاد وارد مجلس شد، برای عبیدالله سخت ناراحت کننده بود. هنگامی که وی حضرت زینب(علیها السلام) را شناخت، خشمش شدیدتر شد و برای تشفی قلب ناپاک خویش، به خاندان وحی اهانت نمود و گفت: خدا را ستایش می کنم که شما را رسوا کرد و کشت و دروغ شما را آشکار ساخت.

دختر امیرالمؤمنین(علیه السلام) در برابر یاوه گویی های او، پاسخی قاطعانه و کوتاه فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ طَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيراً إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا»؛ ۷۴ حمد خداوندی که ما را به خاطر پیغمبرش شرافت بخشید و از پلیدی ها پاک گرداند. خداوند فاسق و دروغگو را رسوا می کند و چنین کسی غیر خاندان ماست.

ابن زیاد، که خود را سخت در تنگنای سخنان و تحقیرهای ایشان گرفتار دید، باب سخن را عوض کرد. او برای تازه کردن داغ حضرت زینب(علیها السلام)، با لحن استهزاآمیز پرسید: کار خدا را با برادر و اهل بیت خویش چگونه یافتی؟! حضرت زینب(علیها السلام) با لحن رضایتمندانه و با شجاعت فرمود:

«ما رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً، هُوَ لَاءِ قَوْمٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجَمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ وَ تُخَاصِمُونَ عِنْدَهُ...»؛ ۷۵ از خدای مهربان جز خیر و خوبی ندیدم. اینان کسانی اند که خداوند لباس زیبای شهادت بر اندامشان پوشانید، با عزت به سرای باقی شتافتند، و به زودی خداوند شما و آنها را در حضور خود جمع می کند و در محکمه عدل، داوری خواهد کرد.

سپس فرمود:

ای فرزند مرجانه! در آن روز، چگونه میتوانی به این گناه عظیم پاسخ دهی؟ مادرت به عزایت بنشیند!

این نهیب کوبنده حضرت زینب(علیها السلام) آن چنان در مجلس طنین انداخت که عبیدالله را در برابر سران کوفه سخت تحقیر نمود. ایشان اجازه نداد که عبیدالله جنایت خویش را به خداوند نسبت دهد و فرمود:

ای پسر مرجانه! قسم به جانم! تو پسران ما را کشتی، به بانوان ما بی احترامی کردی، شاخه هایم را قطع و ریشه هایم را بریدی...۷۶

## پیامد سخنان حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه

بانوی بزرگ کربلا تا اینجا وظیفه بنیادین خویش را در پاسداری از نهضت، به خوبی به انجام رساند و با ایراد خطابه آتشین در اجتماع مردم و سخنان کوبنده اش در برابر ابن زیاد، به خوبی توانست مسیر قیام خونین کربلا را از دستبرد حکومت امویان حفظ کند و افکار کوفیان را برای گرفتن انتقام از به وجود آورندگان آن حادثه آماده سازد.

سخنان حضرت زینب(علیها السلام) لرزه بر اندام ابن زیاد و کوفیان افکند و بر مردم آن اثری عمیق گذارد و خاندان اموی را رسوا ساخت. هنگام نماز ظهر در حالی که مؤذن اذان می گفت، عبیدالله دستور زندان کردن اهل بیت(علیهم السلام) را صادر کرد. خطابه حضرت زینب(علیها السلام) و نیز سخنان امام سجّاد(علیه السلام) و امّ کلثوم و فاطمه بنت الحسین در کوفه و دارالاماره و نیز اعتراض های عبدالله بن عقیف ازدی و زیدبن ارقم به مردم کوفه جرئت بخشید و زمینه قیام برضد حکومت ظلم را فراهم ساخت و همانگونه که حضرت زینب(علیها السلام) در خطبه خود برای کوفیان سرنوشت بنی امیه را تباهی دنیا و آخرت وعده داده بود، به زودی صورت پذیرفت و در زمانی کوتاه، قاتلان امام حسین(علیه السلام) از جمله عبیدالله بن زیاد به قتل رسیدند؛ چراکه عراقی ها پس از سخنان شورانگیز حضرت زینب(علیها السلام) سخت پشیمان شدند و در فکر چاره رفع ننگ کشتن خاندان پیامبر برآمدند و با جنب و جوش های تازه علیه امویان سرانجام بر دور مختار گرد آمدند.

## کاروان حضرت زینب(علیها السلام) به سوی شام

پس از فاجعه کربلا، یزید بن معاویه از شنیدن شهادت امام حسین(علیه السلام) و یارانش شادمان گردید. او به عبیدالله نامه نوشت که قافله اسیران را با سرهای شهدا به شام بفرستد. ابن زیاد با رسیدن نامه یزید، کاروان حضرت زینب(علیها السلام) را همراه سرهای شهیدان به شام فرستاد. ۷۷ خاندان امام حسین(علیه السلام) به سوی شام روان شدند.

## کاروان اسیران در شام

موقعیت حکومت یزید هنگام ورود اسرا به شام بسیار محکم بود. شهری که مردم آن سالها بغض خاندان علی(علیه السلام) را داشتند؛ چراکه سال ها تبلیغات دودمان ابوسفیان را شنیده بودند، از این رو، می توان پیش بینی کرد که مردم

فرب خورده این سرزمین چگونه از کاروان حسینی استقبال می کردند. بنابراین، شگفت انگیز نیست که «هنگام ورود اهلبیت پیامبر(علیهم السلام) در شام، مردم لباس های نو برتن کردند و شهر را زینت دادند و نوازندگان مشغول نواختن شدند و شادمانی چنان مردم را فرا گرفته بود که گویا شام یکپارچه غرق در سرور است.» ۷۸

ولی قافله اسیران در مدتی کوتاه، شرایط را به نفع خویش عوض کرد. خطابه های آتشین، که به وسیله خواهر داغ دار امام حسین و زین العابدین(علیهما السلام) در شام ایراد گردیدند و در آن جنایت های ننگین بنی امیه را آشکارا بیان کردند، از یکسو، دشمنی شامیان نسبت به اهل بیت(علیهم السلام) را به علاقه و محبت بدل نمود و از سوی دیگر، خشم عمومی را متوجه یزید ساخت و یزید مشاهده کرد که کشتن امام حسین(علیه السلام) به جای آنکه موقعیت او را بهتر کند، ضربه های کوبندهای بر پایه های حکومتش وارد آورد.

### حضرت زینب(علیها السلام) در کاخ یزید

یزید از قتل امام حسین(علیه السلام) و پیروزی خود سرمست بود. از این رو، مجلسی بی سابقه ترتیب داد، اشراف و سران کشوری و لشکری شام در آن شرکت نمودند و وی بر بالای تخت زرنگار خود نشست و قدرت خویش را نمودار ساخت. «در این هنگام، دستور داد سر مطهر حسین(علیه السلام) را در برابر او حاضر سازند و زنان و فرزندان آن حضرت را وارد مجلس کنند.» ۷۹ در اینجا، آن ناپاک زاده، کینه های موروثی خویش را نسبت به خاندان علی(علیهم السلام) آشکار ساخت و گستاخی های بسیار کرد؛ اشعار کفرآمیز خواند و درباره پیروزی خود، یاهو ها گفت و آیات قرآن را به نفع خود تأویل کرد. ۸۰

یزید با چوب دستی، که در دست داشت، نسبت به سر بریده فرزند پیامبر(صلی الله علیه وآله) اسائه ادب کرد ۸۱ و کینه شدیدی راه، که او و خاندانش در باطن نسبت به پیامبر عالی قدر و اسلام در دل داشتند، علنی ساخت و اشعاری را خواند که مضمون آنها این بود:

#### جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

کاش سران قبیله من، که در بدر کشته شدند، می بودند و می دیدند که طایفه خزرج چگونه از شمشیرهای ما به ناله آمدند، تا از خوشحالی فریاد می زدند: ای یزید! دست تو شل مباد! ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم و این پیروزی را در برابر آن شکست قرار دادیم. هاشم با حکومت بازی کرد، و گر نه، نه خبری از آسمان داشت و نه وحی بر او نازل شد. ۸۲ من از نسل «خندف» ۸۳ نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم.

یزید که نه ترتیب درستی داشت و نه از تدبیر و دوراندیشی برخوردار بود و نه ظاهر اسلام را رعایت می کرد، این چنین گستاخانه به امام حسین(علیه السلام) اهانت نمود.

## فریاد حضرت زینب(علیها السلام) در برابر یزید

سخنان کفرآمیز یزید، که در آن معتقدات اسلام را انکار کرد و انتقام گرفتن از پیامبر را به میان آورد و کشتن فرزندان پیامبر را در برابر شکست کفار قریش در جنگ بدر قرار داد، با اینکه در مجلس اثری بسیارید بر افکار مجلسیان گذارد، ولی کمترین اعتراضی به وی صورت نگرفت.

ناگهان زینب(علیها السلام) از گوشه مجلس با سخنان کفرآور یزید به مقابله برخاست! ایشان در برابر یاهه گویی های وی، واکنش شدیدی نشان داد و با منطق کوبنده خود، آن مرد فرومایه را رسوا نمود. او حقایقی را که طی ده ها سال به دست بنی امیه بر مردم شام مخفی گشته بود، نمایان کرد تا رسالت تبلیغی و الهی خویش را عملی سازد. و با صدای رسا، خطبه ای آتشین ایراد کرد و فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ، صَدَقَ اللَّهُ، كَذَلِكَ يَقُولُ: (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَابُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ) ۸۴ أَظَنَّتْ يَا يَزِيدُ! حَيْثُ أَخَذَتْ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ آفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى، إِنَّ بَنَّا عَلَى اللَّهِ هَوَانًا... حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»؛ ۸۵ حمد و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، و درود بر پیامبر و خاندان او باد! خداوند راست گفت، آنجا که فرمود: سرانجام کار آنها که بد عمل کردند به جایی رسید که آیات خداوند را دروغ شمردند و بدان ها استهزا می کردند.

سپس فرمود:

ای یزید! آیا گمان کرده ای از اینکه ما را گرفتار ساختی و به صورت اسیر در این شهر و آن شهر گرداندی، این کارها سبب بی مقداری ما و دلیل قدرتمندی تو خواهد بود؟ و خداوند مدد کار توست؟! و با این خیال، باد با غرور و نخوت، به اطراف خود می نگری و امور دنیا را به کام خود می بینی، در حالی که حق شایستگان را به ناحق غصب کرده و دلباخته امور سطحی شده ای؟ و گمان داری که قدرت و زندگی برایت خوشی همیشگی خواهد داشت؟! بر مرکبی که سوار شده ای آرام تر حرکت کن! مگر فراموش کردی که خداوند فرمود: «کافران نپندارند مهلتی که به آنان داده شده به سودشان خواهد بود، بلکه به آنها فرصت می دهیم تا بر گناه خویش بیفزایند و با رسوایی، به کام عذاب خوارکننده وارد شوند!» ۸۶

ای فرزند آزاد شدگان! بنگر این از عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران پیامبر را در مقابل نا محرمان به اسارت درآوری و آنها را با دشمنانشان در شهرها بگردانی و پرده عصمت ایشان را پاره کنی.

و چگونه می توان به کسی چشم امید داشت که جدّه اش جگر مرد بزرگ را با دندان خود پاره کرد و خون او را مکید و گوشتش از خون شهیدان روییده است؟!

ای یزید! این جنایت های عظیم را انجام داده ای، آنگاه بدون اینکه خود را گناهکار بدانی یا جنایت خود را بزرگ بشماری، می گویی: «ای کاش پدران من بودند و فریاد می کردند: ای یزید! دست تو شل مباد؟» آن وقت چوب خیزران بر لب و دندان سید جوانان اهل بهشت می کوبی؟

چرا چنین نگویی و اینگونه سرمست و مغرور نباشی؟! آیا میدانی چه زخم هایی بر دل ما وارد ساختی؟ چه خون های مقدسی را از نسل پیامبر ریختی؟ و چه ستارگانی را از آسمان فرزندان عبدالمطلب خاموش کردی؟

پروردگارا! داد ما را از دشمنان ما بگیر، و خشم خود را شامل حال کسانی بگردان که خون های ما را ریختند و مردان ما را سر بردند.

ای یزید! با این جنایت عظیم، جز پوست و گوشت خود را پاره نکردی و به زودی بر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) وارد می شوی. باید پاسخ خون های فرزندان او را بدهی و حرمتی را که از اهل بیت(علیهم السلام) و پاره تن او شکست های پاسخگو باشی. «گمان مکن آنها که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگار خود، مرزوقند.» ۸۷

ای یزید! برای تو کافی است که حاکم بر تو خدا باشد و خصم تو پیامبر با پشتیبانی جبرئیل، آنگاه آنهایی که تو را بر گردن مسلمانان سوار کردند، خواهند دید که ستمگران چه روزگار بدی دارند، و هر یک از شما جایگاهی بدتر از دیگری دارید.

ای زاده معاویه! اگرچه روزگار مرا در شرایطی قرار داد که با تو سخن بگویم، هرچند من تو را کوچکتر از آن میدانم که با او سخن بگویم؛ زیرا گناهان تو بزرگتر و توبیخ تو شدیدتر از آن است که آن را بر شمارم، اما چه کنم؟ چشم من از مرگ عزیزانم اشکبار، و دل ها در فراق ایشان سوزان و بریان است.

ای یزید! حال هر چه در توان داری و هر فریبی که می توانی انجام بده، و در این راه کوشش خود را به کار گیر! به خدا سوگند! تو نمی توانی نام و وحی ما را خاموش سازی، و از این راه به آرزوی دلت برسی، این ننگ و عار را هم نمی توانی از دامن خود شستوشو دهی.

آگاه باش! رأی و عقل تو بسیار ضعیف است و دوران زندگی ات به زودی سپری می گردد و جمعت پراکنده می شود. روزی خواهد آمد که منادی خدا فریاد کند: لعنت پروردگار بر ستمکاران باد!

اکنون من خدای را حمد می کنم که آغاز کار ما را با سعادت پایه ریزی کرد و فرجام آن را هم با شهادت و رحمت پایان بخشید. از خداوند می خواهم که پاداش شهادی در راه ایمان و حقیقت را افزون کند و جانشینی ما را از آنها نیکو قرار دهد؛ زیرا او خداوندی بخشنده و پناهگاه ماست و او کارساز خوبی است.

## پیامد خطبه حضرت زینب(علیها السلام)

خطبه حضرت زینب(علیها السلام) در کاخ سبز یزید، حقانیت امام حسین(علیه السلام) و باطل بودن اعمال یزید را آشکار ساخت. حضرت زینب(علیها السلام) در حالی خطبه را ایراد کرد که قلبش داغدار عزیزانش بود، بازوهایش بسته بودند و سر بریده امام حسین(علیه السلام) در میان تشت در برابرش قرار داشت و شخصیت‌های کشوری و لشکری یزید در مجلس حضور داشتند. و شگفت انگیز است که دختر امیرمؤمنان(علیه السلام) آنگونه یزید را توبیخ و تحقیر نمود و حتی او را «زاده هند جگرخوار» خواند! حضرت زینب(علیها السلام) انگشت روی گناهی گذارد که راه توجیه برای یزید بست، آنجا که فرمود: «ای فرزند آزادشدگان! آیا این از عدل توست که زنان و کنیزان خویش را در پرده قرار دهی، اما دختران پیامبر را به عنوان اسیر در مجلس نامحرمان حاضر سازی؟!»

آری، حضرت زینب(علیها السلام) در این خطابه، هم جنایت‌های یزید را آشکار کرد و هم بدو گفت: «از جفای روزگار است بر من که مرا در شرایطی قرار داده است که با تو سخن بگویم، هرچند تو کوچکتر از آنی.» این خطبه زمینه بیداری اهل شام را فراهم آورد و حکومت دمشق را دچار مشکلات سختی نمود. در کنار این خطبه، ضربه دیگری، که اعتبار و نفوذ یزید را متزلزل ساخت، خطبه امام زین العابدین(علیه السلام) بود که بر پیکر حکومت او وارد شد، «در نتیجه، فرزند معاویه را نسبت به سرنوشت خود و حکومتش دچار وحشت نمود.» ۸۸

## عزاداری در شام

خطبه منطقی و آتشین حضرت زینب(علیها السلام) در مجلس یزید، حاضران را سخت تحت تأثیر قرار داد، به گونه ای که یزید از روی ناچاری نسبت به حضرت زینب(علیها السلام) و زین العابدین(علیه السلام) و بازمانگان اهل بیت(علیهم السلام) اندکی نرمش و انعطاف نشان داد. بدین دلیل، از هرگونه واکنش سخت پرهیز نمود. ۸۹ یزید از اطرافیان خود نظر خواست که با اهل بیت(علیهم السلام) چه کند؟ هرچند بعضی از آنان از روی چاپلوسی گفتند: این‌ها را نیز به سرنوشت رفتگان نشان مبتلا گردان، ولی نعمان بن بشیر، که در آن مجلس حضور داشت، به او گفت:

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب  
ای یزید! بنگر که اگر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود، با آنان چگونه رفتار می کرد. تو نیز همان رفتار را با آنان انجام بده. ۹۰

در هر صورت، مرحله دوم نهضت حسینی توسط زینب کبری(علیها السلام) رهبری و هدایت شد. آن مخدره آنچه را لازم و گفتنی بود در خطبه کوفه و شام خود بیان داشت و با خطبه امام سجّاد(علیه السلام)، رسالت آنان کامل شد و فرزند معاویه چنان در تنگنا قرار گرفت که در ظاهر، پشیمان شد و جنایت و قتل امام حسین(علیه السلام) را به گردن ابن زیاد انداخت و او را در مجلس خود لعنت کرد ۹۱ و گفت: من به قتل حسین(علیه السلام) فرمان نداده بودم، ابن زیاد این کار را انجام داد. ۹۲



یزید به خاطر حفظ موقعیت خود، با اسرا نرمش نشان داد و اجازه داد آنان چند روزی در شام عزاداری کنند. زنان آل ابوسفیان (در خرابه) به پیشواز اهل بیت (علیهم السلام) رفتند و دست و پای دختران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را می بوسیدند؛ گریه و زاری می کردند و سه روز عزاداری بپا داشتند. هند، همسر یزید، گریبان چاک زد و ناله و سوگواری نمود. ۹۳ سرانجام، اسیران آل محمد (علیهم السلام) در پرتو مجاهدت حضرت زینب (علیها السلام) و امام سجاد (علیه السلام) و امّ کلثوم (علیها السلام) و رسوا شدن خاندان اموی با تکریم و احترام، به مدینه بازگشتند.

آری، حضرت زینب (علیها السلام) و کاروان وی در مدت کوتاهی توانستند آنچه ان افکار مردم را تکان دهند که یزید مجبور شد هنگام خارج شدن ایشان از شام نوعی رفتار کند که مخالف رفتار او هنگام ورود اسیران بود.

## جمع بندی و نتیجه گیری

حضرت زینب (علیها السلام) افزون بر ویژگی ها و فضیلت های شخصیتی، که از خاندان وحی ارث برده بود، در به ثمر رساندن نهضت عاشورا، نقش فوق العاده داشت. او پس از عاشورا، در کنار سرپرستی اسیران و حفظ جان امام سجاد (علیه السلام) از خطرها، توانست انقلاب حسینی را با تحمل زحمت های فراوان به پیروزی نهایی برساند و در انجام رسالت خویش، با صلابت و استواری ایستاد و نقش سنگین و رسالت خویش را به خوبی به پایان رساند تا آیین پیامبر (صلی الله علیه وآله) و انقلاب کربلا دست خوش تحریف نگردد.

هنگام ورود اسیران به کوفه، نخست مردم با شادمانی به استقبال اسیران آمدند، ولی حضرت زینب (علیها السلام) با سخنان آتشین خود، اوضاع را دگرگون ساخت و کوفیان غرق ماتم شدند. او با کلمات ملکوتی، هم کوفیان را متوجه جنایتشان نمود و هم ماهیت قیام را روشن ساخت. انتقام از قاتلان امام حسین (علیه السلام)، با قیام مختار، ره آورد بیدارگری حضرت زینب (علیها السلام) بود که خشم مردم را بر ضد حکومت برانگیخت.

همچنین حضرت زینب (علیها السلام) با نهیب خویش در کاخ عبیدالله، وی را تحقیر کرد و ماهیت انقلاب را نیز از دستبرد آن ناپاک حفظ نمود.

هنگام ورود کاروان حسینی به شام، شهر غرق در شادی بود. یزید مجلسی از سران کشوری و لشکری ترتیب داد. او با دیدن آل پیامبر از سر غرور بر لب و دندان امام حسین (علیه السلام) جسارت نمود؛ ولی حضرت زینب (علیها السلام) چنان خطبه ای منطقی و جانکاه ایراد کرد که یزید با سرافکندگی و از روی ناچاری، قتل سیدالشهدا (علیه السلام) را بر گردن ابن زیاد انداخت.

سخنان حضرت زینب (علیها السلام) در مجلس یزید و سپس خطبه امام سجاد (علیه السلام)، اوضاع دمشق را دگرگون کرد و بغض شامیان را به دوستی خاندان پیامبر و نفرت از یزید مبدل ساخت؛ فرجامی که هرگز انتظار آن نمی رفت.

آری، حضرت زینب(علیها السلام) اینگونه نقش خویش را در پیامرسانی نهضت حسینی ایفا نمود و در پایان، سرافراز و پیروزمندانه، اما عزادار در سوگ عزیزان، به مدینه بازگشت.



# خبری تحلیلی ادیان نیوز

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

## پی نوشت ها

- ۱- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، چ سوم، تهران، برهان، ۱۳۷۹، ص ۱۷.
- ۲- سید کاظم ارفع، حضرت زینب (علیها السلام) سیره عملی اهل بیت، تهران، نشر قادر، ۱۳۷۷، ص ۷.
- ۳- باقر شریفالقرشی، السیده زینب، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۹، ص ۳۰-۳۱ / حسن الهی، زینب کبری عقيله بنیهاشم، تهران، آفرینه، ۱۳۷۵، ص ۲۹.
- ۴- جعفر النقدي، زینبالکبری بنت الامام، النجفلاشرف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۶۱، ص ۲۱ / سید نورالدین جزائری، خصائص الزینبیه، ترجمه باقر ناصر، چ دوم، قم، جمکران، ۱۳۷۹، ص ۶۰.
- ۵- سید نورالدین جزائری، پیشین، چ میهن، ۱۳۴۱، ص ۱۲-۱۳ / سید کاظم ارفع، پیشین، ص ۷.
- ۶- ر.ک. ابوالقاسم الدیاجی، زینبالکبری بطلة الحریة، ط. الثانية، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۷، ص ۱۵ / سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۶۰.
- ۷- ر.ک. جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزابی، چ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۲۴.
- ۸- ر.ک. نورالدین جزائری، پیشین، ص ۶۷.
- ۹- عبدالله شفیعآبادی، مبانی روانشناسی رشد، چ پنجم، تهران، چهر، ۱۳۷۱، ص ۲۳-۳۱.
- ۱۰- سیدمرتضی حسینی فیروزآبادی، الفضائل الخمسه، انتشارات فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵۰.
- ۱۱- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۲۹.
- ۱۲- محدث نوری، مستدرکالوسائل، قم، آلالبیت، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶۴-۱۶۵.
- ۱۳- ذیحالله محلاتی، ریاحین الشریعة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۵۴ / محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۳۵.
- ۱۴- سید کاظم ارفع، پیشین، ص ۱۲.
- ۱۵- سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۲۵۵.
- ۱۶- جعفر النقدي، پیشین، ص ۹۵.
- ۱۷- همان.

- ۱۸- حسن الهی، پیشین، ص ۸۱.
- ۱۹- سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۲۵۵.
- ۲۰- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۳۸-۳۹.
- ۲۱- احمد بهشتی، زنان نامدار در قرآن و حدیث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵۰-۵۱.
- ۲۲- ذیحالله محلّاتی، پیشین، ص ۷۶.
- ۲۳- احمد بهشتی، پیشین، ص ۵۱.
- ۲۴- جعفر النقّدی، پیشین، ص ۲۹.
- ۲۵- ر.ک. سید نورالدین جزائری، پیشین.
- ۲۶- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۲۲.
- ۲۷- احمد بهشتی، پیشین، ص ۵۱.
- ۲۸- ذیحالله محلّاتی، پیشین، ج ۳، ص ۵۷.
- ۲۹- احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان دختر علی، تهران، مطهر، ۱۳۷۲، ص ۱۰۰.
- ۳۰- ذیحالله محلّاتی، پیشین، ج ۳، ص ۵۶.
- ۳۱- سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۲۷.
- ۳۲- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۷ / اینجمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، به کوشش هاشم رسولی محلّاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۱۹.
- ۳۳- طه: ۲.
- ۳۴- جعفر النقّدی، پیشین، ص ۶۱.
- ۳۵- احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص ۱۰۶.
- ۳۶- ذیحالله محلّاتی، پیشین، ج ۳، ص ۶۲.
- ۳۷- جعفر النقّدی، پیشین، ص ۶۲.
- ۳۸- نور: ۳۰ / احزاب: ۳۲، ۳۳ و ۵۹.

- ۳۹- نور: ۲، ۳۲، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۵۸، ۶۰ / احزاب: ۳۲، ۵۹ / قصص: ۲۵.
- ۴۰- سید عبدالحسین دستغیب، زندگانی حضرت زینب، تهران، کاوه، ص ۱۹.
- ۴۱- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۹۹.
- ۴۲- حسن الهی، پیشین، ص ۹۹ به نقل از: عبدالله مامقانی، تنقیحالمقال فی علمالرجال، نجف اشرف، مطبعة المرتضویة، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۹.
- ۴۳- حافظ شیرازی.
- ۴۴- حسن الهی، پیشین، ص ۱۱۰، به نقل از: عبدالله مامقانی، پیشین، ج ۳، ص ۷۹.
- ۴۵- سید علینقی فیضالاسلام، خاتون دوسرا (شرح حال زینب)، چ دوم، تهران، نشر آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۲۴.
- ۴۸- ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، المكتبة الاسلامیه، ج ۴۵، ص ۴۴.
- ۴۹- همان.
- ۵۰- سید نورالدین جزائری، پیشین، ص ۲۹-۳۲.
- ۵۱- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۸۱.
- ۵۲- حسن الهی، پیشین، ص ۱۱۵.
- ۵۳- ابن ابیالحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸، جزء اول، ص ۱۹.
- ۵۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷.
- ۵۵- احمد بهشتی، پیشین، ص ۵۱.
- ۵۶- سید کاظم ارفع، پیشین، ص ۸۸.
- ۵۷- سید بن طاووس، اللهوف، تهران، دارالعلم، ۱۳۴۸ش، ص ۱۴۹ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص

۵۸- ابومخنف، وقعة الطف، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۷، ص ۲۵۲ / علی نظری منفرد، قصه کربلا، چ سیزدهم، قم، سرور، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱.

۵۹- همان.

۶۰- سید بن طاووس، پیشین، دارالاسوه، ۱۴۱۴، ص ۱۷۵ / سید عبدالرزاق موسوی، مقتل مقرر، ترجمه عزیز الهی کرمانی، قم، نوید، ۱۳۸۱، ص ۱۹۲.

۶۱- علینقی فیضالاسلام، پیشین، ص ۱۸۵.

۶۲- ابومخنف، پیشین، ص ۲۵۹ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۹.

۶۳- همان.

۶۴- همان.

۶۵- ابومخنف، پیشین، ص ۲۵۹-۲۶۰ / محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۳۴۸-۳۴۹ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۹.

۶۶- ذیحاللة محلّاتی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۰.

۶۷- احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۶۸- همان، ص ۱۰۸.

۶۹- سید بن طاووس، پیشین، ص ۱۹۲-۱۹۳ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۰۹.

۷۰- این خطبه با اندکی تفاوت در بعضی کلمات، در بسیاری منابع از جمله در کتب ذیل آمده است: ایمنصور

احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چ دوم، تهران، اسوه، ۱۴۱۶، ص ۱۱۰-۱۱۲ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۰۸-۱۰۹ / شیخ عباس قمی، نفس المهموم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۸، ص ۲۴۷.

۷۱- سید عبدالکریم هاشمینژاد، درسی که حسین به انسانها آموخت، چ یازدهم، مشهد، هاشمینژاد، ۱۳۶۹، ص

۳۱۶.

۷۲- احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص ۲۴۶.

۷۳- ابومخنف، پیشین، ص ۲۶۲ / شیخ مفید، الارشاد، قم، المؤتمر للشيخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۳ / محمدباقر

مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۱۷.

۷۴- سید بن طاووس، پیشین، ص ۲۰۱ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۱۷.

- ۷۵- شیخ مفید، الارشاد، ترجمه هاشم محلاتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۳ / سیدبن طاووس، پیشین، ص ۲۰۱ / سید عبدالکریم هاشمینژاد، پیشین، ص ۳۲۱.
- ۷۶- ابومخنف، پیشین، ص ۲۶۲ / سیدبن طاووس، پیشین، ص ۲۰۱.
- ۷۷- سید عبدالکریم هاشمینژاد، پیشین، ص ۳۲۶.
- ۷۸- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۳۲۷-۳۲۸.
- ۷۹- سید عبدالکریم هاشمینژاد، پیشین، ص ۳۳۰.
- ۸۰- محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۲۴۸.
- ۸۱- حسن الهی، پیشین، ص ۲۰۸.
- ۸۲- ابومخنف، پیشین، ص ۲۶۷ / سیدبن طاووس، پیشین، ص ۲۱۴-۲۱۵.
- ۸۳- «خندوف» جدّه پدری یزید بود که بین یزید و او سیزده واسطه وجود داشت.
- ۸۴- روم: ۱۰.
- ۸۵- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۳۳-۱۳۵ / سیدبن طاووس، اللهوف، ص ۲۱۵-۲۱۸.
- ۸۶- العمران: ۱۷۸.
- ۸۷- العمران: ۱۶۹.
- ۸۸- سید عبدالکریم هاشمینژاد، پیشین، ص ۳۴۳.
- ۸۹- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۳۵ / سیدبن طاووس، پیشین، ص ۲۱۸.
- ۹۰- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۳۵ / سیدبن طاووس، پیشین، ص ۲۱۸.
- ۹۱- حسن الهی، پیشین، ص ۲۴۴.
- ۹۲- همان، ص ۲۴۴-۲۴۵.
- ۹۳- شیخ عباس قمی، پیشین، ص ۲۶۵.